

## اینجا صدای پای تاریخ می آید/تصاویر

۲۲ اسفند ۱۳۹۴ ساعت ۲۱:۵۶

زاب-روستای «قلعه نو» در شمال سیستان و بلوچستان و با قدمت یک هزار و ۲۰۰ سال، یادآور کهن معماری تاریخی ایران زمین است که به ماسوله جنوب شرقی ایران نیز شهرت دارد.

عصرگاه، در همراهی با گروهی از زابل واقع در ۲۰۵ کیلومتری زاهدان مرکز سیستان و بلوچستان برای تماشای شکوه تاریخ حرکت کردیم و پس از شش کیلومتر راه آسفالته بزرگراه، ۲۰ کیلومتر در مسیر جاده ترانزیتی چابهار به میلک در محور منتهی به زهک، طی مسیر کردیم تا به نگین درخشان کویر سیستان رسیدیم. آفتاب از لب افق پریده بود و چشمان ذغالی شب کویر دو دو می زد که به قلعه نو رسیدیم. اینجا قلعه نو است، یکی از ۹ هزار روستای دیار سیستان و بلوچستان در ۲۶ کیلومتر محور زابل - سه راهی جزینک - زهک، جزئی از نگین تاریخی دیار مهد تمدن، سیستان، که شامگاه یکی از شب های مرداد ماه گذرمان به آنجا افتاده است.

از همان موقع که از طریق دوراهی روستا و چاه نیمه چهارم وارد جاده قلعه نو شدیم به همراه عکاس پس از طی هزار و ۵۰۰ متر در راستای قوس کمانی به سمت شمال غرب، وارد دو راهی شدیم که یک راهش حسب تابلو وزارت نیرو، ورود ممنوع بود و راه دیگری چشم انتظار شکوه تاریخ بود.

پس از طی ۲۶ کیلومتر جاده آسفالته در اطراف جاده ای که می خواهد ما را به روستا وصل کند، درختان گز، خانه های خشتی و یگ ارگ تاریخی رخ نمائی می کند.

شکل شاخه های درختان گز، این نماد مقاومت در برابر بادهای ۱۲۰ روزه و توفان ها شدید شن، شکسته شکسته و مانند شاخ گوزن است، که در راستای رشد عمودی اش گاه تا شش متر قد کشیده است. اما هر چه هست و نیست، همه این درختان قانع و شورطبع کویری، حکم سربازانی را دارند که برابر یورش بی امان شن های روان رو به کشتزارها و سکونت گاه ها، سفت ایستاده اند، تا مظاهر عمران و آبادانی آدم ها را از دستبرد مهاجمان ریز دانه ماسه ای مصون بدارند.

در طول مسیر از کاکل درختان کویری، چشم طمع به فراخانی آسمان می دوزیم تا ببینیم آیا مهتاب بر این دست آفرینه های انسانی که به گواه تاریخ مقاومت و ایستادگی اشان به هزار و ۲۰۰ سال می رسد، رخ می نماید تا در شب مهتابی و ستاره ای

خودروی جلویمان، مانند دود آگزشش، حلقه های غلیظ خاک را با الگوبرداری از تلخی های این روزهای سیستان، نثارمان می کند تا جایی که به مقصد رسیدیم رنگ ماشینمان از سیاه به نقره ای متالیک تغییر کرده بود.



در ورودی روستا تصمیم می گیریم تا ادامه مسیر را پای پیاده طی مسیر کنیم، به شیب تندی می رسیم که اینجایی ها به آن نقطه آغاز تاریخ می گویند که غبار غفلت آن را فراگرفته است.

ارگ «محمدحسین خان نارویی نژاد» با قدمت ۱۶۰ساله و زیربنای بیش از ۱۵۰۰ مترمربع در دو طبقه نظرم را جلب می کند که چگونه و با چه ابزاری چنین شکوه تاریخی را در ورودی این روستای تاریخی بر افراشته اند.

طول این مسیر شیب دار شاید به ۴۰۰ متر نرسد، اما به هر حال به گفته سیستانی ها تاملی است برای درک بیشتر شکوه تاریخ این دیار، ناگفته نماند در سال های دور، همین مسیری که اکنون وصفش می کنم، محل عبور تاجران گندم بوده است و روزگاری قلعه نو، محل انبار غله و آرد.

بالاخره آن قدر در این مسیر غبارآلود رفتیم و رفتیم تا به روستایی زیبا بر فراز تپه ای رسیدیم که از اواخر دوره قاجاریه کوچ مردمان را از روستای قلعه کهنه شاهد بوده است.

آفتاب کاملا از روی خط افق پریده بود و پرده ظلمت روی زمین پلاس شده بود که وارد کوچه های روستای به هم پیوسته قلعه نو شدیم. این روستا از یک سو در لابه لای کویر و خطوط تلماسه ای و از سوی دیگر همسایه جدیدش «چاه نیمه چهارم» خودنمایی می کند، چاه نیمه ای که با ذخیره ۸۰۰ میلیون مترمکعب آب، نیاز آب شرب مردمان شش شهرستان و ۹۱۸ روستا را برطرف می کند.

اما روستا خود هلاک آب است و سایه سنگین ۱۸ سال خشکسالی زندگی مردمان این دیار را رو به نابودی سوق داده و مردم تنها از بالای روستا به این آب که برای تامین آب شرب در نظر گرفته شده به نظاره می نشیند، دیگر نه از کشاورزی خبری است نه دامداری.

ورود به روستا

اجرای طرح هادی روستایی از سوی بنیاد مسکن انقلاب اسلامی در روستا برایمان جالب بود، بازسازی که روح تازه ای در این دیار دمیده بود، از تردد اندک خودروهایی مردم روستا بر روی سنگ فرش های روستا، دلم گرفت که چرا باید این گونه نسبت به داشته های خود غافل باشیم.

یک تختگاه از جنس آجر سفال در قسمت غربی روستا که با آجر پوشیده بود نظرمان را جلب می کند، محلی ها می گفتند گردشگران این قسمت را بسیار دوست دارند، وقتی بر روی آن قرار می گیری دشت سیستان و چاه نیمه چهارم برایت طنازی می کنند.

رویم را به سمت شرق می کنم، شکوه روستا خودنمایی می کند، خانه های به هم پیوسته برایم تداعی کننده ماسوله ای دیگر است اما این ماسوله تاریخ را با خود به یدک می کشد، خانه های خشتی با سقف گنبدی و بادگیرهای معروف منطقه سیستان تداعی کننده تمدن شگرف این دیار است.

قلعه نو تنها روستایی در سیستان و بلوچستان است که صد در صد معماری منازل آن قدیمی و از خشت و گل ساخته شده و با همان سبک، ویژگی خود را حفظ کرده است، معماری در سیستان برگرفته از شرایط اقلیمی این منطقه است به طوری که بیشتر منازل آن از مصالح سنتی شامل آب، گل و خشت ساخته شده است.

گرچه امروزه تنها در ساخت منازل ۴۰ درصد از روستاهای سیستان این سبک معماری استفاده می شود اما روستاییان قلعه نو در ساخت منازل خود صد درصد این سبک معماری را حفظ کرده اند، با توجه به اینکه خشت و گل سرما و گرما را در خود حفظ می کند، استفاده از این نوع مصالح و سبک معماری مانع از خروج هوای سرد خانه می شود.

با توجه به آب و هوای گرم و خشک کویری، در سقف این منازل دریچه هایی به نام «کولک» یا بادگیر و در دیواره آن «سورک» دریچه ای شبیه حرف «E» انگلیسی تعبیه شده که سبب ورود هوای سرد و کوران آن می شود، به گونه ای که باد از سقف وارد و از سورک خارج می شود.

در کوچه هایش قدم می زنم هر خانه و دیواری بیانگر شکوهی خاص در دیار ۵ هزار و ۵۰۰ ساله سیستان است، برایم تلخ بود، در امتداد هر کوچه، آغلی بی دام، دروازه اش باز بود و مردی نگران امتداد نور مهتاب را دنبال می کرد.



مقاومت این نوع منازل به دلیل زلزله خیز نبودن منطقه سیستان به ۱۲۰۰ سال می رسد

این روستا مربوط به اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی است، روستای «قلعه کهنه» نیز در نزدیکی قلعه نو قرار دارد و به سبب متروکه شدن ساکنان آن به روستای قلعه نو کوچ کرده اند.

این روستا به دلیل قرار گرفتن بر روی تپه ای بزرگ به «قلعه» شهرت یافته و طوایف بزرگی همچون نارویی نژاد، سنجرانی، کیانی، سرابندی و شیران زهی را در دل خود جای داده است.

گورستان قلعه نو نیز در نوع خود بی نظیر است، قبرها به صورت پلکانی و مقبره خوانین و حکما در داخل اتاقک هایی به نام

«معجره» قرار دارند. مقبره دختری در این گورستان کشف شده که معماری روی آن نشان دهنده دوران صفوی است اما هویت خود فرد هنوز نا پیدا است کسی این کی بانوی سیستانی را نمی شناسد.

روستای قلعه نو زابل ماسوله ای در جنوب شرق ایران

کامبیز مشتاق گوهری، مدیرکل میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری سیستان و بلوچستان با بیان اینکه روستای قلعه نو از آثار تاریخی اواخر دوره قاجار و اوایل پهلوی استمی گوید: ارگ «محمدحسین خان نارویی نژاد» با قدمت ۱۶۰ساله و زیربنای بیش از ۱۵۰۰ مترمربع در دو طبقه از بناهای تاریخی و مهم این روستا است.

وی می افزاید: این اثر در قلعه نو، روستای نمونه هدف گردشگری در پنج کیلومتری جاده زهک به زاهدان واقع شده و به شماره ۷۲۵۵ مورخ ۱۲ بهمن ۸۵ در فهرست آثار ملی کشور به ثبت رسیده است.

گوهری یاد آور می شود: این بنا زیرزمین بزرگی به گستره ۱۵۰۰مترمربع داشته که در گذشته انبار غلات و محل آرد کردن گندم بوده است که برای ساختش از آجر استفاده کرده اند و قریب به ۱۰۰ پنجره دارد.

وی می گفت: روستای «قلعه نو» سیستان به سبب نوع معماری و استفاده از مصالح سنتی عنوان «ماسوله جنوب شرق کشور» را به خود گرفته است.

شب رازگون روستای قلعه نو

با اینکه با اجرای طرح هادی روستایی اندک امیدی را به روستا بازگردانده اند اما باز هم می شد نگرانی را در چهره مردم از قهر طبیعت دید و افسوس خورد.

شب قلعه نو از نیمه شب گذشته، بیشتر مردم روستای به خواب رفته اند، اما من حیفم می آید که لحظات شاید برگشت ناپذیر حضورم در این مکان دلفریب را به راحتی از دست بدهم.

سعی می کنم از نورهای تیر برق رها پیدا کرده و به نور مهتاب پناه ببرم، اغلب مردم روستا خواب بودند، اندک مسافران این دیار نیز در کنار زمین خشکیده کشاورزی رو به دشت سیستان و چاه نیمه چهارم اطراق کرده بودند و زیر نور مهتاب آرمیده بودند.

برخی کسانی که مانند من هوس شب زنده داری کرده بودند، با افروختن شعله آتش روشنی بخش شب تار کویر بودند، نوری که با ناله های حزین و کشدار شاخه های در هم شکسته گز همراه است.

در گوشه ای دورتر شبیح چند نفر قد می کشد که در زیر مهتاب نصفه و نیمه شب قلعه نو، با ساز و آواز خود دم گرفته اند و این گونه همخوانی می کنند: «بابا گل افروز... به دنبال تو می گردم مه شب و روز...».

به خودم آمده؛ کسانی که دیشب دنبال «بابا گل افروز» می گشتند، هنوز در خوابند و اثری از شادی و نشاطشان نیست، در محل سوختن شاخه های گز نیز جز خاکستری که رنگش به سیاهی ذغال می ماند، اثری نمانده است.

سفر ما به قلعه نو تمام شده، سوار بر ماشین به سمت زابل براه می افتم اما در ذهنم به این موضوع فکر می کنم که آیا بار دیگر شکوه، به سرزمین مادری ام سیستان باز می گردد؟

منبع: مهر

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۳۲۸۴۳/تصاویر-آید-می-تاریخ-پای-صدای-اینجا/>